

مجموعه فیراد
۳۴۰

مجموعه فیراد

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

کتابخانه مرکزی اسناد مجلس شورای اسلامی
۴۷۸۰
شماره ثبت کتاب

کتابخانه مجلس شورای ملی



کتاب: تدریس قانون نظامیه
مؤلف: سید لا، اعظم

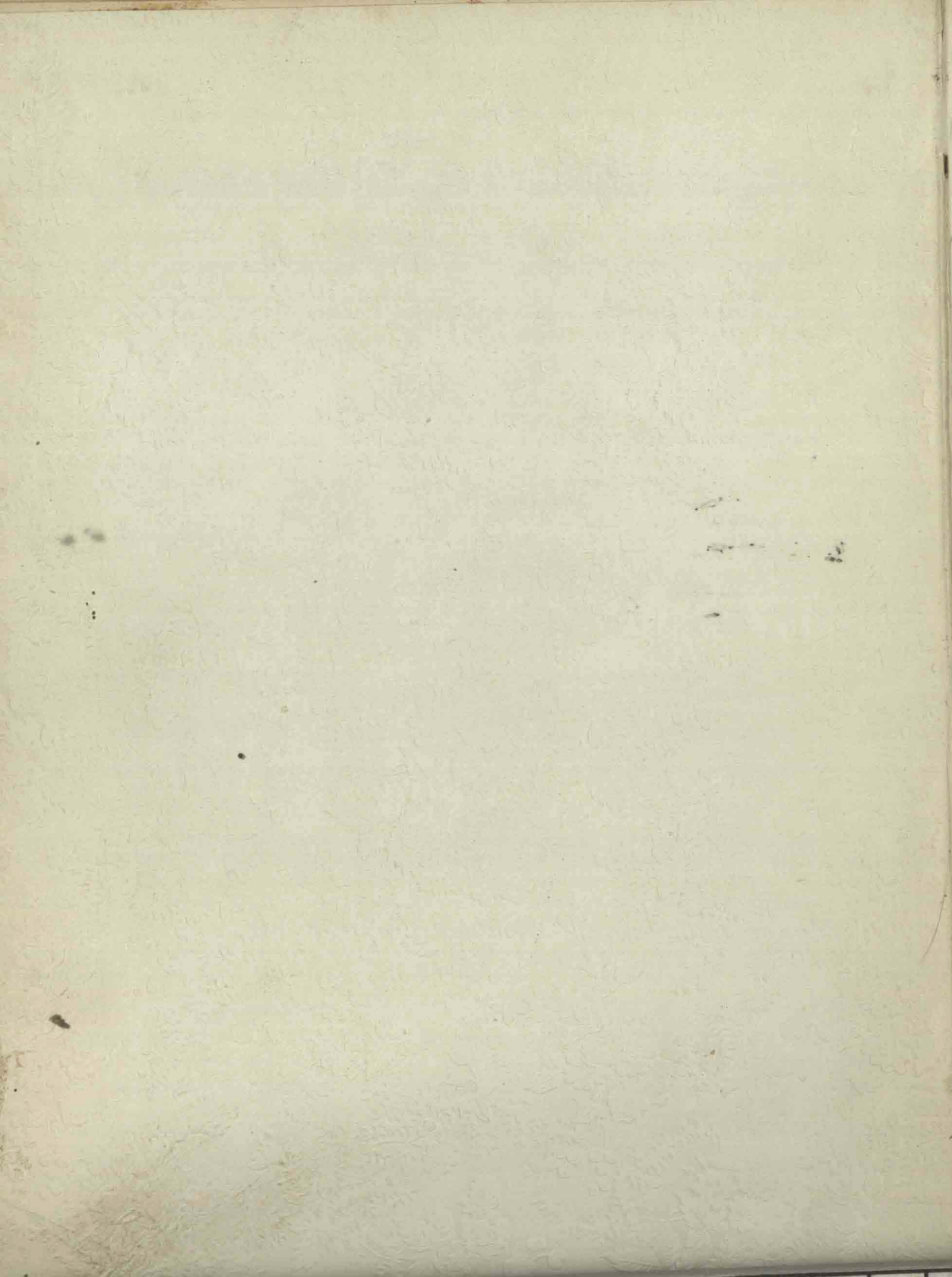
شماره ثبت کتاب

موضوع

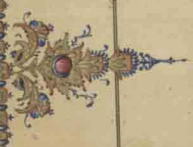
شماره اختصاصی (۳۴۰) از کتب (خطی) اهدائی
تیمسار سر لشکر مجید فیروز (ناصر الدوله) بکتابخانه مجلس شورای ملی

۴۴۷۰۴

۵۴۸۷



۱۳۷
۱۳۶
۱۳۵
۱۳۴
۱۳۳
۱۳۲
۱۳۱
۱۳۰
۱۲۹
۱۲۸
۱۲۷
۱۲۶
۱۲۵
۱۲۴
۱۲۳
۱۲۲
۱۲۱
۱۲۰
۱۱۹
۱۱۸
۱۱۷
۱۱۶
۱۱۵
۱۱۴
۱۱۳
۱۱۲
۱۱۱
۱۱۰
۱۰۹
۱۰۸
۱۰۷
۱۰۶
۱۰۵
۱۰۴
۱۰۳
۱۰۲
۱۰۱
۱۰۰
۹۹
۹۸
۹۷
۹۶
۹۵
۹۴
۹۳
۹۲
۹۱
۹۰
۸۹
۸۸
۸۷
۸۶
۸۵
۸۴
۸۳
۸۲
۸۱
۸۰
۷۹
۷۸
۷۷
۷۶
۷۵
۷۴
۷۳
۷۲
۷۱
۷۰
۶۹
۶۸
۶۷
۶۶
۶۵
۶۴
۶۳
۶۲
۶۱
۶۰
۵۹
۵۸
۵۷
۵۶
۵۵
۵۴
۵۳
۵۲
۵۱
۵۰
۴۹
۴۸
۴۷
۴۶
۴۵
۴۴
۴۳
۴۲
۴۱
۴۰
۳۹
۳۸
۳۷
۳۶
۳۵
۳۴
۳۳
۳۲
۳۱
۳۰
۲۹
۲۸
۲۷
۲۶
۲۵
۲۴
۲۳
۲۲
۲۱
۲۰
۱۹
۱۸
۱۷
۱۶
۱۵
۱۴
۱۳
۱۲
۱۱
۱۰
۹
۸
۷
۶
۵
۴
۳
۲
۱



سوانده تقالی شانه
کتابچه قانون نظامیه مشتمل بر دو باب
باب اول در تکالیف دولت و آن مشتمل بر منفصلت

کتابخانه معبد طهران
اشهداتی
کتابخانه مجلس شورای ملی

فصل اول

اولیای دولت بر خود حکم و بهوم صاحب منصب و آحاد و افراد قشون مشهور
و محسوب نمیشوند که قانونی که مقرر میشود بهیچ وجه من الجوه تخلف از آن نمانند

فصل دوم

عساکر دولت ایران بقسم منقسم میشوند یک قسمت از آن در اردوهای که
در نقاط نهمه و پسر حداتی که بدین تفصیل معین گشته جمیع میشوند مدت

دو سال در اردوها

نوحی سوز
 سوز سوز
 سوز سوز
 سوز سوز

از در این طایف
 نوحی سوز

خداستان
 نوحی سوز

نواز سوز
 کلمات در سوز
 بال این از سوز
 سوز سوز
 سوز سوز
 سوز سوز

کریمت این در است
 کرکان
 نوحی سوز

نواز سوز
 سوز سوز

سوز سوز
 سوز سوز

در این سوز
 سوز سوز
 سوز سوز
 سوز سوز

در اعلامه
 کران
 نیکوکار
 نیکوکار
 ص ص ص ص ص
 ص ص ص ص ص
 ص ص ص ص ص

مرخص خانه

ص ص ص

اقامت کرده بلو از م شوق و تسلیم قواعد نظامیه مشغول بعد از دو سال مرخص
 خانه خوانند شد و ساخو سرحدات و غیره از همین اردو معین خو ایدگشت
 چنانکه در هر سال یک دفعه با قشون متوقف اردو عوض شوند
 قیمت دیگر مرخص خانه باشند و تا دو سال ناموریتی با نهاد داده نشود مگر
 در صورتیکه برای دولت ضرورتی رویی بد که زیاده از نصف قشون خود را
 حاضر خدمت نماید و در این صورت بقدر ایام خدمت چهره و موجب با آنها
 داده خواهد شد

دولت مجبور نخواهد بود که همیشه اردو با در این نقاط مجتمع باشند بلکه منظور از
 انقطاع اردو اینست که همیشه نصف قشون در اردو حاضر مشغول باشند و بقیه
 اختیار با اولیای دولت خواهد بود که در صورت مقرر از قشون مأمور را
 در هر نقطه که اقتضا کند حاضر سازند و مشغول مشغول باشند اعم از اینکه سه
 اردو باشند یا پنج یا شش اردو مقرر در هر جا که مقتضی باشد خواهند فرستاد

تفصیل صاحب منصبان مأمور اردو

رئیس کل باجی ارسا سوارگان که از اهل نظام باشند مصلحتی که در امر بر تالی داشته کنند	نائب رئیس کل مصلحتی که در امر بر تالی داشته کنند	مأمور رسد مری اول در اسب باشد کنند	احودان باسی اردو کنند	نائب احودان باسی دو نفر
مهندس کنند	معلم کل کنند	مترجم کنند	فزانه دار کنند	
لکڑ نویس کنند	سررشته دار در لکڑ کنند	مفسر کنند	سیورساتچی کنند	
دکسل باسی اردو کنند	مفسر در نامه کوس کنند			

طرز و مات اردو

لوکار با طرز و مات	فورخانه با صفا	جبهه خانه با صفا	مرخص خانه
سواره ار حاکمانی که فر مردود است	اردو بارار		

ویکی از مزومات اردو میرض خانه و لوازم آن بدین تفصیل است

کمیتر طبیب حافظ اردو را بخلافه برایت اطباء افواج نامور شود که روزی

یک دفعه با اتفاق پسر اطبا و جراحان عیادت ^{از رضا} اردو کرده بمعاجاتی که کرده اند

رسیدگی نماید و پس از عیادت و اطلاع از طرز معالجات آنها در یکجا جمع شده و

دو نفر دو اسپاز ما سرداران بخلافه معین و امور اردو میشود

یک نفر ناظر میرض خانه اردو یوان معین خواهد شد

رئیس اردو مکان میرض خانه را بتصدیق اطبا معین خواهد کرد

چادر و منزل اطبا و جراحان تو بخانه و افواج در جنب چادرهای میرض خانه خواهد بود

برای مرضای فوج مفتاب چادر قلندر می کباب چادر بمال در مکان ^{بیشتر} مشخص خواهد شد

کباب چادر سیرتی برای مجسع اطبا و مشاوره آنحضرت زده میشود

یک باب چادر کیسرتل برای و اسپاز زده میشود

کتاب چادر قلندری مخصوصه و خانه

آتش‌خانه با تمام ملزومات آن از قبیل چادر و یک و طبخ و ظرف غیره و دستک
مخارج لازمه آتش‌خانه از خزانه نظامیه ماه بتصدیق و اطلاع لشکر نویس
و انضامی میس اطباء اردو داده خواهد شد و چهره مرضا و امیکه در نرضانه
پستند داده نمی شود

قیمت دوانی که حالا با طببا و جبراحان داده میشود باید تحویل و اساز نمود
ماه به حساب سپیدکی نمایند و آنچه کسر باشد خزانه دار بکلم نویس اردو خواهد داد
فرش کلیم و تسک کتان از برای چادر مرضا داده میشود

برای هر چادری و نفر از همان فرج بجهت پرستاری مرضا منتخب شده نفری سه تن
علاوه مواجب مقرره بانهما داده شود و این پرستاران سچوقت عوض نمائند
شد که علم پرستاری را بیاموزند و از سایر خدمات معاف خواهند بود
کمفرمایب اجودان باشی مخصوص رایست مریضخانه از جانب دیوان معین خواهد شد

که همیشه مواظبت انتظام عمل مریض خانه باشد
 شستن لباس و نظیف منزل و رخت خواب مریض با پرستار است
 و خرج شست و شو از دیوان داده می شود

اطبای افواج از سپای مریضی اردو که مشغول خدمت دولت هستند
 از هر طبقه که باشد باید عیادت نموده در معالجه آنها اهتمام نمایند
 سالی ششصد دست پیرهن و زیرجاوه بطور مخصوص که معین خواهد شد تجویز
 ناظم مریض خانه میشود و آنها را نشانی میزنند که هر وقت پاره شد اسقاط
 آن داده عوض بگیرند

در اول هر روز طبیب سرفوجی مریض فوج را بازدید کند کسانی که مریضشان
 شدت ندارد در همان جا در خودشان بجای بپرند و از دو آنها را که با مریض
 شده به مستلا شده اند مریض خانه بفرستند

اگر در دو از جانی بجانی حرکت کند اطبا افواج در عرض راه از پهلوی مریض

دور نشود و هر یک جبهه دوای مختصری با خود داشته باشد که در تمام ضرورت کار برد

صرف روشنائی برای چادر مضار داده میشود

چادر حمام با ملزومات آن در همه اردوئی و دو باب

تفاه مخصوص میخانه با ملزومات آن از قبیل راپه و یا بورد در میخانه سردردوئی

در وقت حرکت اردو و بجهت حمل و نقل مضار بقدر حاجت مال گرایه شود و در هر

اردوئی صد بخت پاکلی موجود باشد که در تمام ضرورت معطلی حاصل نشود

فصل سیم

در چیره و موجب و ملبوس و اسلحه سایر تذکرات لازمه قشون و ان قسمت

قسم اول در باب قشون با مود

اولا موجب سالیانه قشون بچهار قسمت سه ماهه سه ماهه چه از بابت شجوه محلی قشون

بعد از وضع سه ماهه محلی و چه از بابت وجوه خزانة نظام همه را در اردو و با محلی

تخلیه از نظامی خوانند که در حضور رئیس و نایب و اجدان باشی و لیکر و

با حاد و افرا و قشون بالتمام داده خواهد شد

نایبانه دست بمو پس بدین موجب داده میشود

موسس موسس خجالی	موسس قنک کماله	کلاه مک ل	حکله و لخص
در دو سال	دو دست	یک قطعه	حکله
کمدت			روح
برند در دو سال			روح

نایبانه قشون به ماه یا شوا به تقیبت یومیه محل اردو و یا کندم بخنیه داده شود
و چیره عرض راه به تقیبت عاده محل حرکت داده خواهد شد

را با عابت های چیره از روز حرکت از خانه باشد

خامسا چون باین قرار حالیه و امتحاناتی که شده است مال نگاه داشتن بر با

موجب تفرقه حواس و حاضر شدن مشق خدمت خواهد شد از دولت

علی الجاله برای مراد و بی موشق فوج هند از نفری پنجاه و پنج نفر شتر و سبست

را پس نایب و قاطر و فوج شتر صد نفری چهل و پنج نفر شتر و پانزده راس نایب

و قاطر با صاحب جمعی که در اختیار می آرد و باشد از دولت مرحت شود

در مالی قرار بر این شد

چون اشکن الاعرابی حمل نقل بسیار
از جهات عدیده باعث خمت و اشکال و مانع
اجرای بعضی تنظیمات لند انظرت خند
مقرر است که بعضی الاعمال که الآن بهر ابراهیم
نیفود بر میدارد در پیش نظر ساریا
یا بر برای حمل نقل نیز خود داشته باشد
موجب بطلی و باعث اشکال شود و از دیوان
مسال نفی شده از بعد از انقطاع علاو
بر آن عین آن یا بود با ایم نفر سبب داده
شود و برای او بردن مشوجه شدن پذیرد
نایب نایب فوج مقرر است که علاوه بر آن
نقدی فوج برای کشش نایب سبب
عین و چیره و موجب و بمو پس
از دیوان داده شود

که هم بنه سرباز از ولایت بار دوها و بالعکس فها با و ایما نقل کنند و در وقت
احضار افواج شتر با حکم احضار فرستاده خواهد شد که بنه سرباز را حمل و نقل
نمایند و هم در ایام توقف اردو در محل کجای سورات قشون مشغول و مامور باشند

قسم دوم در باب قشون مرخصخانه

موجب نوکر مرخصخانه نشین ماسه داده شود و آن بر دو نوع است
نوع اول در ولایتی که شش ماسه محل دارند در همان محل یا بنابر پی
نوع دوم در ولایتی که ماسه محل دارند پس ماسه را از محل دریافت و سینه و کپرا
دولت از خزانه کارسازی نماید موجب سربق و سربسنگ و مشرف
سالیانه داده میشود

برای حصول اطمینان از رسیدن موجب شش ماسه نوکر مرخصخانه هر ساله
یک نفر از وزارت جنگ بهر ولایتی مامور شود که روپای قشون موجب
ابو اجمعی خود را با اطلاع و استحضار او پر داخته طومار یا بهر کشفه بشمار کشند

اخراجات شخص مامور در خورثانی که دارد در وقت ماموریت او از جانب
 دولت داده خواهد شد و مقرر است که جبهه و دیناری با سپه معارف بگیرد
 سه ماه قبل از رسیدن عدم مرضی او و با او وزارت جنگ قسمت افواجی
 که باید بهار و دینی مامور شود با افواج مرضی خانه اجاز خواهد شد و میسباید آن
 افواج بعد از حاضر شدن یاده بر پیروز برای سپان اودن کرشن سورتا
 عرض راه و غیره در محل توقف خود معطل نشده روانه محل ماموریت شوند و با
 چنان گت کنند که در روز موعود وارد او و با شوند و اگر تعویق تاخیری در
 آن موعود بهر سبب اگر از حکومت شده است بر حاکست که چهره علاوه بر پیروز
 از خود کار سازی نماید و اگر از صاحب منصبان شونست بنیبات مقرر در
 فضل بنیبات در حق آنها مجری میشود **فضل چهارم**
 در وضع کرشن سورتا خدمت و قرار فراری و آن مشتمل بر سه ماده است

ماده اول

بهترین وضع گرفتن قشون تحریر نفوس است و مادام که قرار آن با بجم
نرسیده است متوقه قرار گرفتن قشون و معتبر کردن آن باین طور مقرر است
که صاحب منصب مرفوع با حاکم آن ولایت بر ضای مالک و ارباب و کد خدا
بتصدیق صاحب منصب کسر نفی سپر باز از موافق معمول ولایت گرفته
و باید که خدا و مالک التزام سپرده ضامن باواری سرباز نشوند باین معنی
که هر سرباز کمتر از پانزده تومان علقه نداشته باشد و از جانب اولیای دولت
حکم عمومی بیع حکام صادر شود که اگر سرباز از ولایتی بولایتی و یا از دسی بدسی
فرار کند بمحض اظهار صاحب منصب و مالک و نمایندگی آنها بدون مطالبه حکم مخصوص
سرباز اگر قه بدست صاحب منصب و مالک سپارند و در سرفویه مرس سرباز
فرار بر آنکس پار و خود او را بسربازی خوانند بدو پنجمین مقرر است که اگر بر سربازی
نخواهند بچند خود را از دسی به دیگر بسرد و کد خدا و ارباب مانع شوند

ماده دوم در باب فراری

آنچه کسر سرباز و لایات گرفته میشود باید موافق قانون مرقومه فوق باشد و است
 فراری نخواهد شد و بعد از این هم سرچه عوض غایب و متونی گرفته میشود تا وقتی
 که اجسرای تخریر نفوس نشده است بهمان قاعده باضامین خواهد بود و از این حکم
 مستثنی نخواهد بود و احدی از آحاد سپه باز خواه آذربایچانی یا عاقلی یا خراسانی غم
 اما سربازیکه حالا موجود است چون اغلب اکثر باین قاعده گرفت نشده است و ضامن
 نداند خاصه قشون آذربایچانی که عموماً و طلب بستند برای عدم فرار آنها حکم از
 جانب دولت صادر خواهد شد و بجمع است و بلدان ممالک محروسه که سرباز
 دارند اعلام میشود که اگر سپه بازی از اردو بیاز سر خدمت قزاق و لی و سانلوی کجا
 فرار کنند کسان منسوبان و بعضی اطلاع اگر بجا نه خود آمده است بجهت نخست و را
 راضی کرده معاودت دهند و اگر نکند بکنند بجا حکم ولایت اطلاع دهند که او را
 گرفته مجبور پس سازد اگر در این فقرات اسمال نمایند از جانب وزارت جنگ محصل
 خواهد شد که خانه سرباز فرار را خراب کرده منسوب کسانش را خواهند برد و در

سماج خدمت باشد تا سرباز را بعینه بدست آورده بصاحب منصب آن فوج
یا حاکم ولایت سپارند بعد از آن هم بر عهده وکیل اول فوج است که بجهت
کردن سربازی فوراً بسردپشته خود و او بسرسنگ و سرسنگ بسرتپ و او بس
کل اعلام نماید تا وزیر بوزارت جنگ اخبار کند که همین حکم را در باره سرباز
فزاری اجرا دارند و این اعلام وکیل اول بسردپشته و اعلام او بصاحب منصب
بزرگتر تازیس اردو باید بموجب نوشته و تاریخ روز و ماه باشد با طبع که کثیر
از اخبار کنندگان ای سپند خود از بزرگتر خود نوشته رسید بکیر و تا اگر یکی از
این سپند اعلام کنندگان اسمال در ادای تکلیف خود نموده باشد در حین جوع
بناست و فی الفور معلوم شود و سراسر ای خلاف از سپر جوقه تا سپستان ایت

که تا حضور سپرباز در جای او بکار سپربازی مشغول گردد

ماده سیم در باب خدمت سرباز

قراردت خدمت سپرباز دولت درده سال مقرر خواهد داشت باین معنی که موافق

قرار حالیه که باید دو سال به پسال ازاد و هادوسر خدمت عوض شوندش
 سال در ادوهای مشغول سرحدات مشغول مشغول مشغول باشند و چهار سال
 در خانه خواهند بود بعد از آن مرخص بدهی خواهند شد و ثبت اسامی آنها بشود
 لشکر سپرده خواهد شد که در مقام ضرورت معلوم باشد برای اجرای این
 قانون که هم بر رعیت یکمتر به تخمیل بزرگی وارد نیاید و هم عساکر دولت یکمتر
 عوض جدید نشود در اول ماموریت که سرفوجی احضار میشود رسیدگی خواهد شد
 سرت در متونی و معیوب و پمصرف باشد از وزارت جنگ حکم خواهد شد که عوض
 آنها را بقاعده مقرر کرده بفرستند و بقوجا متعی نمایند و پمصرف و قید میرا
 اخراج نمایند و بعد از آن هر سالی یکمربع از افواج مرخص خانه را از سپرباران
 بی با و عوض متونی و پمصرف و معیوب و سپربارانی که مدت خدمت آنها بقاعده
 مقرر کرده شود که در وقت نوبت احضار ثانی بار دوها کم و کسر و متونی باشد
 باشند و از دولت برای سراسر ادوئی یکمتر سرشته در مخصوص منسوب خواهند

از پانزده پسال گشته
 باشد مشخص کرده اخراج
 نمایند و عوض آنها

که اسامی نفری افواج را ثبت نماید و تاریخ برتساری هر یک از آنها و افراد
افواج را ضبط کند و تغییر و تبدیلی که اتفاق افتد ماه به ماه سال بسال بوزارت
جنگ بدهد و یکسال قبل از رسیدن عده اخراجی سرسبازی صورت اسامی
سرباز و پدرو ولایت و قریه آنها را بوزارت جنگ بدهد که عوض آنرا از محل
هر یک گرفته آمده سازند تا وقت اموریت منفرد شخص باز اخراج باشد و محض ^{نشد}

فصل پنجم

در تعیین مدرسه نظامی جامع لوازم آن دارا اخلاقه که مخصوص تعلیم و تربیت
سپاده نظام و توجیه باشد و در ابتدای بنای مدرسه و بعد از آن با اتصال باید
عده دشاکردان و لاتی کمتر از نو و نفر نباشد که همه ساله سی نفر داخل مدرسه نظری
تربیت شده داخل نظام شوند و علاوه بر این از صاحب منصبان دولتی و اهل
دین و معلمین آنجا روزی دو ساعت بعد از مشق مدرسه نظامی اقدام نمایند و
همه ساله از پانزده نفر تا بیست نفر از اولاد نجبا و صاحب منصبان قهطبری

تعلیم علوم نظامیه مامور و تربیت شوند

فصل ششم

در تعیین مصلحت خانه عسکریه است که مرکب باشد از چند نفر اعظم از نظام
و غیر نظام بر حسب انتخاب و صلاح دید وزارت جنگ و همواره مراقب
انظام فقرات اربعه باشند

اولا سواى جمعه و دو شنبه و ایام متبرکه و مخطوره بالا استعمار در عمل قشونی
گفتگو کرده حاصل مجلس را در آخر هفته بوزارت جنگ عرض کنند

ثانیاً روزانه قشونی که از اردو ها و ولایات و نوشتجاتی که در باب عمل عسکریه
بوزارت جنگ میرسد بجای پس بدینند که آنچه در مجلس ^{صلاح} انستند گفتگو نمایند و عرض

وزارت جنگ رسانیده اگر تغییر و تبدیلی لازم باشد داده بعد از عرض
حضور همایون احکام آن صادره نموده فوراً بدو معطلی برده و ولایات برسانند

ثالثاً در کار قشون اگر چیزی بخیانت بنسد که موجب مزید است حکام و نظام

امور قشون مفید فایده و صرفه برای دولت باشد نویسند و منقده یک روز بجز
وزارت جنگ برسانند

را بعباست او امر و احکامی که بجهت امور قشون صادر میشود و همچنین تاریخ حرکت و
سکون قشون اخراجی برتاری سرباز را ضبط نموده نگذارند در موعده آن حملات
واقع شود

و مقرر است که این مجلس در دو جا منعقد شود یکی در طهران و دیگری در تبریز
و رجوع مجلس منعقد در تبریز مجلس منعقد در طهران باشد

فصل هفتم

ساختن اسبانی معظم و اتصال سیم گلکرافت از اردو و پایتخت مسایون

باب دوم

در تکالیف نوکر و آن مشتمل بر چند فصل است

فصل اول

در تکلیف وزیر جنگ بعهده وزیر جنگست که احکام و قوانین این کتب بچراگانا
 اجرا بدارد و نقطه نکته از آنرا مهمل و متر و کنگار و در نظم و مشق و ترقیات
 قشون خود را آسوده نگذارد و کمال مراقبت در نظم تو بخانه و قورخانه و جنبه خان
 و صاحب منصبان آحاد و افراد لشکر از توپچی و قورخانه چی و سرباز و سوار عمل آورد
 و موجب و ملبوس سپورسات و سایر تدارکات عسکریه را از وقت و موقع
 نگذارد و نگذارد که هیچیک از اجناس را دایره متعلقه لقبشون از تکالیف و خدمات
 مخصوصه خود و همال و غفلت نمایند یا انحراف و عدول در زند تکلیف و جنگست
 که پادشاه خدمت و نهادهای غفلت و خیانت که پس از چنانچه مقرر است بدهد
 لازمست بر وزیر جنگ که همیشه بهر نحو که باید و شاید از بطون حالت قشون اجرا
 و عدم اجراء قانون اطلاع داشته باشد و در هر دوئی قانون ار خد تعیین کند
 که متعش حالت مردم باشند و احوال هر کسی ازینک بد و بخر خورفت ر
 نمایند از روی صداقت بوزارت جنگ اخبار کنند

بروزی خبک لازمست که دو سال یک مرتبه دو ماه قبل از انقضای موعده اردو با
اردوئی آدمی زیر یک کاروان بفرض مامور گشت که در وقت مرخصی تشون اردو
با اطلاع رئیس اردو بگم و کسر و سان تشون اردو رسیدگی کند و صورت کم
کسر متوفای تشون را آورده و از حالت اردو با و صاحب منصبان کل و جزو
اطلاعات لازمه تحصیل نموده ملاحظه نماید که قوانین مقرر نظامیه کلاما مجری
شده و یا غفلت و اسامی روی او هست که از شش اجز و جزو بوزار خبک
اطلاع بدد تا از وزارت خبک بمقتضای آن پادشاه خدمت مندرغی غفلت کس داد شود

فصل دوم

در تکالیف و سالی اردو با

رئیس اردو میباید تشون اردو را بیچوقت بکار نکند اردو در مشق و تربیت آهنا
ساعی باشد و صرفت در سپهر باز و توپچی در اردو دست بایدمه روزه حاضر مشق
سازد و کم روزهای جمعه و ایام متبرکه و محظوره را تعطیل مقرر بدد باقی وقایع

باید مشغول مشق و تعلیم باشند و اغلب روزها در میدان مشق حاضر باشند که بجز
 و بد مشق افواج و توپچی رسیدگی کند و در مشق و تعلیم آنها سعی نماید و رسیدگی بسلیح
 قشون کرده سرکاره از اسپه باب آنها چیزی منقود شده باشد فوراً امر بستن
 آن نماید مگر اسپه باب جزیه که سر باز باید غرامت بدهد

مشقه مکر و زبد رضیخا نهایی اردو سرکشی نموده در نظم و پاکیزگی مراقبت و اهتمام
 اطباء و جراحان سیدی کی نماید و مگذار که بخلاف دستور العمل مرخصیه رفقا
 افواج را مامی و مرتبه مشق سلیک و دو مرتبه مشق تیراندازی و ادارت که
 پیربازان است نشانه زدن اسپه موزند و همچنین توپچی را مامی صحیح در مشق
 تیراندازی توب و ادارت

در مشقه مکر و زبد بقدرت سرکشی عمل تو بخانه و قورخانه وارد و کلب و تو بخانه و قورخانه
 بسیار پاکیزه و منظم نگاه دارد و اگر کم و کسری داشته باشد فوراً بوزارت
 جنگ اظهار دارد که عوض فرستاده شود

سفته سه روز بعد از مشق سه ساعت بفرود بماند و جمع صاحب منصبان در دو
از سرب الی سلطان بجهت تعلیم علوم نظامیه حاضر کند که در روز معلمین مشق
جنگ مندرسه و غیره تا دو ساعت درس بخوانند و بعد از آن در کسی متعلق کار
نایب و وکیل و سر جوته است با آنها تعلیم و تلقین نمایند که آنها نیز با جاود
افسرد توپچی و سرباز پاموزند و نیز باید روزی ده نفر سرباز زده نفر توپچی
بکار که مشغول ساختن فشک و بستن کیسه بار و ط و کلوله و طره و سایر ابزار
تو جانانه باشند و خود رئیس باشیاقورخانه رسیدگی نموده بدون انتخاب از خبر
آن برداشته امتحان کند هر چند آن که میباید باشد فوراً بوزارت جنگ اعلام نماید
اگر از قشون اردو کسی غایب و فراری باشد فی الفور بتعاقب و فرستاده او
پاورد و حاضر خدمت نماید و بنویسند سیاستی که در باب باز فراری مقرر است محسوس دارد
باید اردوی جمعی خود را چنان مستعد و آراسته نگاهدارد که هر وقت کجا میباید
در احضار و ماموریت اردو زیاد از پنجره و پنجره کویج اردو داشته باشد

چند نفر آدمهای نریک با سواد دستار بدهد که قانون را باشند و مراقبت نمایند
 که اگر کسی تکلیف مقرر خود را فراموش کند و یا تخلف از قانون کتابچه دستور العمل
 نماید فوراً بر رئیس اردو اعلام کنند

تکلیف رئیس اردو است که مراقب باشد تکالیفی که برای صاحب منصب و سوار
 لشکر نوشته شده ترک نشود

رئیس اردو قدغن کند و مراقب باشد از اهل قشون اسلحه دیوانه اما جزاً
 بغیر از مشق یا خدمت دولت در جای دیگر استعمال نهند و قدغن نماید که توپچی
 و سرباز کاسی از قبیل نانوانی و بقالی و قصابی مشغول نشوند و آنچه متعلق
 بصنعت است از قبیل کفش دوزی و نجاری آهنگری و خیاطی و امثال آن
 عیب نذر و سهلت چون سرجا برای فوج بجاری آید مطلوب و پسندیده است
 و عملی برای سرباز و نوکر دیوانه تقصیر است و باید تنبیه بشود

دواب و بارکش دیوانی را اعم از عاده یا شتر که برای قشون معین شده پس

از دو غیر از محل و مثل سیورسات قشون گذارد و بکار دیگر اقدام نمایند و بنا
عاده و ششتم نباید از اطاعت رئیس اردو و تخلف و تجاوز کند
بر رئیس اردو است که احتساب اردو را سخت کند و نگذارد جنگ و نزاع
و قمار بازی شراب خوری در اردو بشود و اگر کسی مرتکب شود احکام شرع را
بقوتای حاکم شرعی که در اردو است بر او جاری سازند

بنا بر قشون بات حول و حوش یارهایانی که بجهت معاملات بار و دستی آید
جبر و تعدی واقع شود در صورت وقوع بر رئیس اردو و حسبت که بقاعده عدل
و حق بودن غماض پرده پوشی نفع کند و اگر چیزی از رعایای مات یا کسانی
که بار و برای معاملات می آیند بگیرد یا خود را مسترد ساخته بصاحبش بدهد
در سردار و ولی که فوج مهندس نباشد از سر فوجی چنجاه نفر با سواد زیرک رئیس
اردو منتخب نماید و بدست معلم مهندسی سپارد که همه روزه علم مهندسی را با آنها
علما و علمای ساموز در رئیس اردو مواظبت کند که هم درس مهندسی بخوانند هم

عمل آزار قبیل کنند پشنگه و با تیان خط متوازی قلعه فرعی ماریج و غیره عمل
 در سرد وونی کنیفر عالم پیش نماز بقصد تیق حکام شرع کده اشته شود بریس
 اردو و پاپس احترام شرع شریف لازست پسااید اهل اردو را بنهار جعت
 وادارد و در ایام عاشورا بلوارم تعزیه داری افتدم کند و در استحکام جری
 قواعد شریعت مطهره استتمام نماید و نگذار و کسی بخلاف شرع عمل کند
 رئیس اردو نباید طمع در مواجب و مرسوم قشون کند بلکه تعارف از قشون
 قبول نگیرد و نگذار و احدی از مواجب مرسوم قشون جب و دنیاری اخذ
 کند طمع کنند در مال قشون سرکس باشد در دفعه اول بالمضاعف از دریا
 خواهد شد و دفعه ثانی بالمضاعف وجه ماخوذه را خواهد داد بعلاوه یکماه حبس در
 ثالث استرداد وجه ماخوذه بالمضاعف و غل شش ماه حبس خواهد بود
 و از تکلیف رئیس اردو رسیدگی بعمل سواره است سواره دولت مرآت
 و اردو یا امور سرحات ولایات پسا شنید یا متوقف مرخص خانه در صورت

رئیس اردو سواره ولایتی را که از حیث مسافت اقرب اردوی اسپتند
در ایام تعلیف احضار کرده که پسلی دو ماه متوقف اردو باشند و چهره و بواس
و اسقاط اسب و سایر تدارکات آنها را تفصیلاً که در دفتر لشکر معین شد
موافق قانونی که برای رسانیدن چهره و موجب سایر مهمات پیاده نظام
مقرر است فردا بآنها برساند و اسب و اسباب و اسلحه آنها را با
دید کرده عیب و نقص و معایب آنها را رفع و اصلاح کند و موظبت نماید
که لباس سته جات سواره چنانچه مقرر شده بپوشد باشد آنچه را که موافق
حکم وزارت جنگ باید مامور نماید بجل ماموریت بفرستد و آنچه را که باید
متوقف خانه باشند مخص نماید و بعد از اجرای این تکالیف ثبت اسامی
و صورت عمل و تفصیل احوال و نیک بد آنها را نوشته بوزارت جنگ بفرستد
رئیس اردو باید مضمونه دو هفته اجودان باشی اردو را بر نصیحه بفرستد که هم
از جانب رئیس عیادت کند و هم از احوال مرضا جویا شود که اطباء آمده اند

و دستور العمل داده اند باینه و روزنامه مرخصخانه را بجهت رئیس برود

فصل سیم در تکلیف سپاه سرسنگان باده نظام

تکلیف سرسپاهان سرسنگانست که اطاعت وزیر جنگ را با کمال صداقت و راستی بر خود واجب دانسته بچوجه من الوجوه امری از امور راجعه بخدمات محوله خود را از وزیر جنگ پوشیده و پنهان نهند و نسبت با و صدق مخصوص و ارادت صرف باشند

سر روز فوج جمعی خود را بمشغ و اوارند

روزی یک دفعه روزنامه بر رئیس اردو بدینند

مرضای جمعی خود را بمریضخانه نفرستند

مقتضی دو دفعه بلبوس و اسلحه فوج رسیدگی نموده اگر عیب و نقص داشته

باشد بر رئیس اردو اعلام نمایند

مسکن در مکان فوج را استقام نمایند که پاکیزه باشد

از میان فوج خارج نشوند مگر بضرورتی

سپهیک از صاحب منصبان جز و افراد جمعی خود را بخدمت شخصی مامور نکند

احدی انی توانند بدون اذن دولت اخراج نمایند

مراقب باشند که چو وقت چه در هنگام سان چه در سایر اوقات سر باز

عوض بدل در فوج نباشد

ساعی باشند که عقب مانده نداشته باشند

اگر سر باز فراری در فوج بوده باشد فوراً برین اردو اعلام نمایند

دنیاری با سپه رشوه نه از کسی گیرند و نه بکسی بدهند

جبه و دنیاری از چهره و موجب سر باز طمع نکنند

مواظبت داشته باشند که در فوج جمعی خود شراب خوری قمار بازی نشود و اگر کسی

مرتکب شود حد و دتنبیهات مقرر را بر او جاری نمایند

در ایام حرکت بار عیای عرض راه کمال سلوک را امری دارند و نگذارند

و نیاری از صاحب منصب و پیر از تقدیمی پستی بر جای آورداید
 افراد جمعی خود را از کسب و فعلکی و مزدوری و بقالی و امثال آن منع نمایند
 آنچه متعلق بصنعت است که اگر ترغیب کنند بهتر است
 باید مراقب باشند که روزنامه که بوزیر جنگ یا رئیس اردو میدهند بی تکلف
 و پسان واقع باشد و در این باب جد کافی داشته باشند
 خدمات و خیانت صاحب منصبان جمعی خود را از روی بغرضی بوزار جنگ
 و رئیس اردو عرض و معلوم نمایند چون دولت چنانکه خود را برای سزای تقصیر
 و خیانت از سر کس که صادر شود مهیب کرده است کذکات حاضر است برای
 اینکه هر خدمت نیز که از سر پس مشاهده کند جزای تنبیه از امان خدمتگذاران
 هیچ مضایقه بدهند تکلیف لازم صاحب منصبان خواهد بود که خدمات کس را
 کانسارنگان حتی از آحاد سربازچه در میدان جنگ و چه موارد دیگر بتمام
 برسانند بصداقت تمام بوزارت جنگ و رئیس اردو معلوم نمایند که دولت

پس برای خدمت را به درجه که مقتضی باشد در حق آن خادم تعجب تا احدی تصور
از آن کند که خدمت او در نزد دولت مجهول بلا عوض خواهد ماند

فصل چهارم در تکلیف صاحب منصبان جزو پیاده نظام
تکلیف صاحب منصبان جزو افسر جوته و وکیل تا سه دسته نسبت به سرتیپ
بعینها همان تکلیف سرتیب و سرتیگت نسبت بوزیر جنگ ویریس اردو

فصل پنجم در تکلیف آحاد پیاده نظام
سرفردی از افراد لشکر باید خود را حلقه شریعت و حامی مقوی ملت بداند و با
کمال غیرت و عصبیت ملی و دولتی اقدام کوشش بخدمت کند و تکالیف
خود را عمل آورد و در دین اری خود محکم و ثابت قدم باشد و خدمت دولت را
مخضقت و حفظ شریعت بکند و در زمان مأموریت از خدمت فرار نکند و بر
مرخصی از خدمت یا گرفتن عوض بدل شوه و تعارفی بکسی نهد و ایام خدمت
خود را با شوق و بهتبار سپاند و در جنگ پشت بدشمن ننهد و بر اخی دولت

سنگ بار نیارود

تکلیف پسر باز است که در اردوهای مشق مأموریت سرحدات جزو رزهای
تعیین در سایر ایام موافق اجبار نظامی برای مشق حاضر شود و در وقت مشق
صحبت نکند و حرف نزنند و گوش خود را با و از فرمانده کل فرادارد و حواس
خود را جمع کند که سر مشقی میدهند زود پس آموزد و بجا فطه بسیار که فراموش
نکند و حسب المقرر میاید هر بار ماسی چهار دفعه در هر جا باشد مشق تفنگ انداز می کند
بر پسر باز لازمست که اسلحه و بلبوس خود را پاکیزه و صحیح نگاه دارد و مراقب
باشد که از اسلحه دیوانی چیزی منفق و نکند که غرامت آن بگردنش وارد آید
در میدان مشق جنگ چهری از اسلحه پسر باز ضایع و کمسور شود بعد از معاود
از میدان فوراً بار دل و کیل و سپه سلطان تسلیم نماید که او بقصد آق ساز و چماق
ساز فوج بد بد که در همان روز مرمت کند و سرگرم مرمت اسلحه خود را بر روز دیگر
نکند اردو پس هر باز باید باز کردن پاک کردن تفنگ را از معلمین بیاموزد و همیشه

آچار و کاغذ پرداخت که از دیوان باید داده شود با خود کوله بار داشته باشد
که هر وقت لوله تفنگ یا اسباب آن چرک شود یا زنگ میگیرد فوراً با آن
کرده پاک کند و همیشه براق و شفاف نگاه دارد

سرباز نباید اسلحه دیوانه را سرگیز از وقت مشق جنگ بکار دیگر استعمال
کند خواه با تمام باشد یا بعضی از آنرا مثل سرنیزه و سنبه و غیره اعم از اینکه
در رکاب وارد و یا مشق باشد یا در سرحدات

سرباز هرگز نباید تفنگ خود را در حالتی که قواولست بر زمین بگذارد و باید با
کمیته و پدیا بروی مال عواده بگذارد بلکه اگر قواولست یا را سی می رود در دو
باید باشد و الا در چاقمه باید باشد مگر سرباز مرخص که در اول ناخوشی باید
تفنگ خود را بصاحب منصب خود سپارد

سرباز در ایام ناخوشی نباید مگر اسباب و اسلحه دولت را از قبیل کوله بار
و پدیا و غیره از یک دست بلبوس که پوشیده است با لاپوش چتر

دیگر در نزد خود نگاه دارد و هر چه هست همه را باید بصاحب منصب بسیار و
 و بعد از رفع ناخوشی پس گیرد و در این مدت هر چه عیب میکند و منقو و شوهراست
 بر عهده صاحب منصب است و بر عهده صاحب منصب است که ملاحظه و رعایت
 این امر را بکند و اگر پسر باز فراموش کرده باشد صاحب منصب بسیار مکرم و
 خدمت احدی از آحاد الناس بفرماید سر باریت الا خدمت دولت و هیچ صاحب
 منصبی از صاحب منصبان کل و جزو حق ندارد که پسر باز از خدمت شخصی خود
 امر کند یا اسباب جلال خود فرار دهد مگر آنچه برای صاحب منصبان معین شده -
 فراوان باید از وقتی که صاحب منصب قدغن میکند نباید احدی از آن
 محل عبور و مرور کند مگر کسی باشد باید در همان مکان در پایی چای تهنه نگاه دارد
 تا هر وقت که صاحب منصب برسد و بصاحب منصب بسیار خواه در شهرها
 و قراولخانهها باشد خواه در اردوهای مشرق و جنگ

پسر باز در ایام مأموریت خدمت اعم از رکاب یا اردوهای جنگ و مشق یا

پس خدمات نباید پیش کسب و مزدوری و عملی و غیره اشتغال و زود باید جمع
اوقات خود را صرف تعلیم و تحصیل خدمت کند خاصه در وقتی که مجلس
بلیاس نظامست نباید بکاری مشغول باشد غیر از خدمت دولت
پس باز نباید احترام از کف از اعمال خلاف شرع از قبیل شرابخواری و زودی قمار
بازی و شطرنج و سرزکی و غیره و حتی المقدور بنهار جماعت حاضر شود
پس باز نباید با خود مال بسفربردار و جمع نموده و اسباب او را بقدریکه مقرر است
بعزوه و دو باب دیوانی حل خواهند کرد

سیورسات قشون برای منازل عرض او بقیمت عادله محل ماموریت اردو
داوه خواهد شد در صورت پس باز نباید از دهات عرض او چیزی گسینی
مطالبه و ماخوذ دارد و مگر هر چه ضرورت دارد بقیمت آزاد اوه خریداری نماید و با
ساکینین دهات عرض او با کمال حسن سلوک رفتار نماید و نباید با جدی اوتی
و آزار برساند ساکینین دهات عرض او نیز باید با مهربانی و در پیع و شری

و معاملات بسیار شمار کنند و زیاده از آنچه در ده روز قبل از ورود و سپاری
مینفروختند نفروشد

خود سپر باز ما ذون نیست که در منازل عرض او زیادتر از نیکشب توقف کند
مگر در صورت وقوع مانع بزرگی از قتل سرب و بوران کولاک شدید یا جایی
باشد که در پیش رو منازل بی آب و آذوقه باشد برای تهیه آب و آذوقه و
امثال آنها مانند و الا بدون مانع بزرگی اگر در جایی توقف نمایند هر چند روز
بمانند حق سیورسات نخواهند داشت و داده نمیشود

تکلیف هر فردی از افراد سپر باز است که بدانند در عرض سال چه قدر مر واجب
و سیورسات و مدارک و طلب پس داده میشود باین طور که هر یک از آنها سپر باز
باید یکدست یک سفید کوچک با خود داشته باشد و بدو شرف بخورد و مبلغ مقدراً
مر واجب و سیورسات و غیره که از دیوان باید باو برسد در سماجاً نوشته شخص کند
بعد از آن هر وقت هر چه در آن سال بسر باز میدهند در پهلوی آن اگر خودش

صاحب خط است بخط خودش و الا بخط رفیق آشنای صاحب خطی که دارد
و الا بخط آردل و کیل یا مشرف بنویسد در آخر اگر آنچه مشرف نوشته باورید است
فبها و الا اگر چیزی باقی مانده باشد از صاحب منصب خود مهاله کند اگر صاحب منصب
بگوید از دیوان پسیده و در مطالبه آن از سر تنگ و سیرت با مال کند سرباز
می تواند عرض در ابسرتک و سیرت با مال کند آنها هم با مال کند و چاره کند
سرباز نیست تواند بلا واسطه بر رئیس قشون آن اردو عرض کند و اگر یکی از صاحبان
جزو آردل و کیل فایب و سپرد پسته دخل و تصرفی در موجب و ملبوس
تذکرات قشون کرده باشند تکلیف سرباز است که حق خود را اولاً با کمال
احترام مطالبه نماید که وادند فبها و الا هیچ وجه من الوجوه نباید بحر فی و یا امری
که منافی احترام صاحب منصب است رفتار نماید بلکه تکلیف سرباز در چنین موردی
اینست که بدون ظهور هیچ نوع بی ادبی خلاف احترامی نسبت بصاحب منصب
خود رفته تقضیل احوال بر رئیس اردو معلوم نماید تا رئیس اردو بمقتضای تکلیف خود

رفقار نماید و اگر از رئیس اردو تکالیف در ادوای حق آنها ظاهر شود اجازه خواهند
داشت که شرح حال خود را نوشته توسط دو نفر وزارت جنگ و مجلس
شورای نظامیه بفرستند

و باید سرباز بداند که اگر از دست صاحب منصب خود عرض خلاف نماید تنبیهی
که مقرر است نسبت باو مجری خواهد شد

تکالیف تفصیل موجب و چهره صاحب منصبان جزو کل و افراد سپه باز و دیگر
مخصوص علیحدہ نوشته و طبع شده بصاحب منصبان آرد و لکیمهای سرج
داوہ میشود که در مشقه یکدفعه برای افسر و قشون خوانده و مذاکره شود که کس
تکلیف خود را کاملابداند

حد و تنبیهات

تنبیهات آحاد و افراد سپه باز و توپچی الی سپه جوته و وکیل بر دو نوعست آنچه بنی
شرعی است اگر مرتکب شود حد و احکام شریعت بر آنها جاری خواهد شد و اگر

خلاف نظام امکت شود به تنهات مفضل نظامی و چاره خواهد شد
اگر رئیس اردو در اجرای قوانین کلیه و ادای تکالیف عمده خود و تربیت عساکر
اردوی ابو الجحیی خود از روی عمد غفلت و اسهال نماید بعد از اثبات غفلت
و قصور او بحکم وزیر جنگ از ریاست اردو معزول و از رتبه که دارد
یک درجه تنزل مینماید

اگر سرتیب با وسوسه سنگها از تکالیف محوله بخود ارفقیل حفظ نظم و تربیت ابو الجحیی
و ما موریت خود اسهال و غفلت کند پیش از آنکه رتبه که دارند تنزل خوانند
کرد و اگر نسبت برسی که با وسوسه اند خلاف اطاعتی ظاهر نمایند یا از چهره و
موجب نوکر ابو الجحیی خود بخورند یا رشوه و لغت رانی از آنها بگیرند بعد از اثبات
تقصیر از منصبی که دارند معزول شوند

اگر شهری یا قلعه و اردوئی بیورش گرفته شود و از اهل نظام از جانی بخت

نیامیزد و بدعتو بتهانی که بحکم رئیس قشون که فرمانده یورش بوده است و

اعلان شده در حق او مجری خواهد شد

مرتجوییدار و صاحب منصب که در دادن چهره و مواجب تقسیم سایر چهره ها

قشورخواه در راه و خواه در میان لشکر و خواه در حالت مستحفظی زیاده از

آنچه حاضر باشد قلمداد نموده باشد و زیاده از نفری قشون حاضری در وقت

کرده مستحق کیال جنس نظامی و آنچه هم زیاده ای گرفته باشد از او استرداد مینمایند

سراهل قشونی و یا تجویداری بعد از آنکه از سپورساتی که بجهت قشون تجویل او

میشود کسر بدیدار استن غدر موجه و گرفتن رشوه و تعارف سپورسات بد

پیکر و باید از شغل خود معزول گشته کیسال در جنس مایند و اگر عوض کند تفاوت

قیمت سپورسات از او دریافت میشود

مراموری میباشد که قبض عملی درست کند و یا شپه خاک کسی را بر قلب

بسازد و یکسال در جنس مایند و از نوکری اخراج شود

مرانبار دارقورخانه و توخانه که از اشیای تجویبی خود چندی سرقت کند یکسال در پنجه
بماند و قیمت اشیائی را که برداشته و یا عوض نموده است کارسازی نماید
هر یک از اهل قشون از خانه شخصی که در آنجا منزل داشته چندی سرقت نماید
سال باید در پنجه بماند و صد تازیانه بخورد و مال مسروق را پسین بد

هر کس از اهل قشون که از راه مکر و تزویر خوراک و مشروبات خود را از اهل دی
و یا شهری خواه در راه و خواه در پست سخطی و خواه در حالیکه قشون را بجهت سهولت کار
و وسعت مکان قیامت نموده بدیات میفرستد بی پول گرفته است عیناً یا
پسین بد و سه ماه در حبس ماند اگر تهدید و وعید گرفته است شش ماه و اگر جرحی
رسانده یا بالاتر از آن باشد بموجب حکم شرع رفقار خواهد شد

هرگاه از اهل قشون در مکانی که باشد و محل امنیت آن مکان کرده و متعرض
از آدمی پاکینین آنجا شود شش ماه باید در حبس ماند و اگر کسی را هم زده باشد
ضعف آن تنبیه شود

سرگاه از اهل قشون سرحد داران پساکنین سرحدات را ترغیب کند که از مکان
خودشان بیرون رفته بسمت دشمن و دو سال در زنجیر بمانند
سرگاه از اهل قشون که در هنگام پاسبانی و یا طلوعه داری مقابل دشمن بعض
اینکه دستور العمل خود را بجا بیاورد و چنان حفظ جان سلامتی خود بی اجازت حسابا
منصب از جای خود بیرون و در پناه او قتل خواهد بود

سرگاه کسی از اهل قشون از جمله سفیدین بوده و از برای تمهید فساد جمع نموده باشد
و پسرهای خود را فاش و آشکار نماید هیچ وجه مستحق تنبیه نخواهد بود و از سفیدین محسوب
سرکپ از اهل قشون که بدون رخصت نامه از سر کرده خود چنانچه در فصول
گذشته ذکر شد خواه در اردو خواه در قلع و محکامه در حالت محصور باشد
سمت مقابل دشمن از حد و دیکه فرس مانده تعیین و عبور از آنجا راقه غن
کرده است پسر و ن کدار و سیصد تا زیاده میجو و

سرگاه از اهل قشون بطور قطع دانسته شود که برای دشمن جاسوسی میکند حسابا

تر شغل باشد باید مقبول شود

سرگاه از اهل قشون که در سر مملکت باشد به شهنشاهی یا اتفاق چندی نرفسلاح در
دست بجهت یغما در خانها و املاک ساکنین آنجا رفته و یا بر سپهر مردم رفته و اموال
انبار انب و غارت نمایند یا خرمن انبار انبار آتش زنند نروا رپا ضد
تاریانه و سه ماهه چسبند بود و اموال منسوبه بعینهها و یا بغرامتها از آن
استرواد میشود

سرگاه از اهل قشون چون استشناد در یکی از ممالک و ولایات خارج باشد
به حجرها و انبارها و خانهای صحرائی و یا مسکونی و آبادی سایر ائمه عمومی
و یا مخصوصی غله و حاصل که جمع کرده و یا در حالت جمع شدن باشد بی آن
و اجازه کتونی و سرمانده آتش زده باشد نیز او را تنه شدید و کیمال سخن اهد بود
سرگاه از اهل قشون بخلاف حکم ریپس اردو در سنگام جنگ و یا بعد از جنگ
کسی که در مقاتله قتل رسیده باشد در معرکه قتال بر بنه نماید عقوبت در

صد مازمانه خواهد بود

سرگاه از اهل قشون در میدان جنگ بعد از محاربه یا در وقت محاربه کسی که
از حالت وقوت جنگ افتاده ولی هنوز رمتی در وی باقی باشد برهنه نماید
یکماه در دستر اول خواهد بود و اگر از اردو با زاری تا و یا عینیه ای نامی نظام چرب
این عمل بشود مستوجب یک سال حبس است

اگر از مباشترین عراد یا صاحب ججان برکشن های دیوانی عراد یا شترهای
دیوانی را بغیر از حمل و نقل نهب و سپیورسات سپرباز و قورخانه و سایر مهمات از
بکار ویکروادارند سمدت که بکار برده مذکر ایه و علق و علوفه و حبیره و مویاب
و اسقاط و مدارکات دواب جلودار و شتر و سایر بان غیره آن مدت از علان
برگرایه از آنها بکند و بعد از یکماه حبس از منصب معزول شوند

در صاحب منصبی که از سپرباز و صاحب منصب خبر و شوه بکیر و در دفعه اول
در حضور صاحب منصبان اردو و وقت بل وجه ماخوذه را از او دریافت و او را

تو بخ نمایند و در ضمنه ثانی مقابل وجه ما خوده از او دریافت و یک درجه از
رتبه که دارد سزل نماید

تنبیحات سزارتی قشون

اگر در وقت احضار سرفراز کند پانصد تازیانه باورده میشود و دو سال برت
خدمت او می افزاید و هر کسی که اورا گرفته سپاورد سه تومان باورده میشود
و اگر از میدان جنگ فرار کند حکمش قتل است

و اگر از اردو یا پیشکریه یا عرض راه ما موریت بسفر جنگ فرار کند هر گاه فرار
بجانب دشمن است هر چه مالک اوست ضبط میشود و هر وقت بدست پنا
حکمش قتلست و اگر بداخله مملکت است پانصد تازیانه باورده میشود و دو سال
مدت خدمت می افزاید و هر کس اورا گرفته سپاورد پنج تومان ستمی در حق او
برقرار میشود و هر کس اورا پنهان کند دو سال در حبس خواهد بود که روزها ششون
فعلکی کار دولتی نباشد و شبها در زنجیر باشد

و اگر با اسلحه مشرک کرده باشد اسلحه را عیناً یا غرامتاً از او می گیرند و سه
سال بدت خدمت او افزوده می شود

و اگر از اردوهای مشق یا از رکاب یا از ساحل ملوی لایات فرار کند بیصد
تا زیاده میخورد و سه ماه در حبس نظام خواهد بود و اگر کسی او را پنهان کند یکسال
در حبس خواهد بود که روزها مشغول فعلکی کار و وقتی شبها در زنجیر باشد
و اگر سه بار در وقت مشق از طلوع آفتاب تا غروب روز دیگر در میدان مشق و
در پسر خدمت بدون علمی خاص نشود و پنجاه تا زیاده خواهد خورد

و اگر در میدان مشق در وقتیکه فرمانده حکم میدهد و مشغول مشقت
صحبت بدارد و یا حرف بزند پست چوب از روی لباس او میزنند و اگر حرکت کند
و تغییر در ایستادن بدهد ده چوب میگیرند و آن فرسوده خواهد شد
اگر پسر با زرشوه بصاحب منصب بدهد و مرض شود و مساوی ایام پست
بدت خدمتش افزوده می شود

پیر باز در قراول و ساعت زیاد تر نباید بایستد و کیل و سپهر جوقه بعد از دو ساعت
باید او را عوض کنند و اگر نکند و از وقت بگذرد صد تازیانه میخورند
اگر پیر باز در وقت نوبت اولی بخوابد یا بر زمین بنشیند و یا تفنگ خود را
بر زمین دیوار بگذارد که از دو شش بردار و پنجاه تازیانه خواهد خورد
اگر پیر باز در وقت ناموریت بگارد و دیگر غیر از خدمت دولت از قتل فرود می
و عکلی و کسب با درت کند یکصد تازیانه خواهد خورد و علاوه که وجه کسب هم از او ^{میشود} بیا
اگر پیر بازی بعد از اعلام صاحب منصب از تفرقه اولی غفلت کند و در خواب
باشد یا در جانی دانه ایستاده باشد صد تازیانه خواهد خورد و اگر رشوه بگیرد
و اذن به کسی شب از جانی ممنوعت بگذرد و ویست تازیانه خواهد خورد
اگر در روی جنگ باشد یا نصد تازیانه خواهد خورد و شش ماه در حبس خواهد بود
اگر کسی بر از تفرقه اول بگذرد از صاحب منصبان بزرگ درباری باشد بیست
پنج تومان بایدهد و اگر غیر صاحب منصب باشد و ویست چوب فاشی میخورد

در صورتیکه جسد حق بقا اول بعد این شبهه در حق اشخاص مذکوره بامضا
خواهد شد و در شرعی این نیز بسبب از میسر است

اگر سپر با زودیت و خسارت مالی کسبی ارد و سپارد و بتقلب از کسی چیزی بکشد
استردا و وجه ماخوذه خواهد شد و دو دست تازیانه خواهد خورد و هر گاه در آن
اختصاصه هم زده و تهدیدی بکار برده باشد پشیمان تازیانه خواهد خورد و
ماخوذا هم عینا و یا غرامتار و خواهد کرد و اگر زخم هم زده باشد و زخم
بناشد حد و در شرعی بر او جاری میشود

اگر سپر با زودیت طفره از جنگ خود را بپوشان کند و در پای پدق در میدان
جنگ حاضر نشود و دست تازیانه خواهد خورد

هر گاه از ابل قشون در سنگام پاسبانی و یا پیش قراولی در مقابل دشمنان
حفظ جان از جای خود بیرون و در و یا از میان قشون یا قلعه که در پیر حد
مملکت واقع شده فرار کند حد و وارده در شرع انور در حق او مجری شود

تنهات قشونی که عصیان و زندقه

سرکاه قشونی از اهل نظام و عین نظام کلی یا جزئی حالت شورش و عدم اطاعت
ظاهر سازند از جانب وزارت جنگ یا رئیس دولت تنهات مفصله در حق آنها جاری خواهد
اولاً بقدر کفایت تنه قشون عاصی از عساکر حاضر در آن محل با اسلحه
حاضر میشود بعد از آن پسر دار قشون حکم خواهد داد که در برابر قشون عاصی
باو از بندند کند بطوریکه جمیع قشون عاصی بشنوند که (قشون عاصی اسلحه از
دست فرود داشته بدایره اطاعت در آیند پس از آنکه مثل دشمن مملی آنها
رفار شود تا ساعت معین که پسر دار قشون مشخص کرده است برود از دست
معاف خواهند بود و الا جمیع عساکر نظامی مملی که حاضرند بجهت حفظ ناموس
سلطنت و قانون نظامی مبادرت بجنگ خواهند نمود) و سه مرتبه آنها را
ببین اراده دفعه بفاصله نیم ساعت خواهد کرد سرکاه قبل از نماز می نماید
قشون عاصی بحضور بیت اجتماع عساکر مأموره افتد ام تجاسر نمایند پسر کرده
کل تفراتی که بجهت مطیع نمودن آنها لازم داند بکار برد

سربازها یککه بعد از ندای اول با طاعت در آیند و بدون سلاح بگمانی که با آنها
 نشان داده شده است بروند از شپه آهنگ عفو و انعام شود و آنهایی که
 بعد از ندای دوم طاعت کنند سه ماه در حبس نظامی خوانند بود

و صاحب منصبانی که با آنها متفق بوده اند در صورتیکه یقین قطعی حاصل
 نشده باشد بر اینکه محرک باعث بر عصیان آنهاستند شش ماه در حبس
 خواهند بود و اگر یقین قطعی حاصل شود که آن صاحب منصبان محرک بوده

از منصب معزول شده پانصد تازیانه میخورند و دو سال در حبس خواهند بود
 و اگر بعد از ندای سیم با طاعت آیند قبل از مبادت بجز صاحب منصب دو سال
 و تا پین یک سال در حبس خواهند بود و علاوه بر آن بعد از پرون آمدن از حبس

صاحب منصب یکد رجه از منصب خود تنزل خواهد کرد و دو سال هم
 بردت خدمت تا پین افزوده خواهد شد

خاتمه کتاب که در حقیقت قوت و روح فقرات مرقومه است

در امتیازات مخصوصه و پاداش خدمات صاحب منصبان افراد لشکر است
و شبه نیست و متحقق است که حافظ و حارس سردولت و ملکی قشون آن دو
و این طبقه علاوه بر تحمل مشقت و سختی و زحمت سفرها و دوری از بلاد و اوطان
و اقوام و اقارب خود جان و عمر خود را برای حفظ و حر است دولت ملت و
انیت و انتظام حدود و مملکت بذل و صرف نمایند پس برتری تفوق و امتیاز
و اختصاص طبقه لشکر بر سایر طبقات مردم بدلائل عقلیه و نقلیه ثابت و
مستحل است و برای غیب و تشویق افراد لشکر بهترین چیزی که بکار برده
و باید بر دین است که شخص او را محترم بدانند و امتیازات مخصوصه ای
اوستاد و بسند و آن امتیازات را بجدی با شان و عظم نگاه دارند که از حساب
منصبان بزرگ گرفته تا افراد لشکر و ادیان خود را بر آنچه آن امتیازات حقیر
شمارند بنا بر این دولت عامه قشون اکر می خواهد داشت

و در سر موردی سایر طبقات نوکر و رعیت مقدم و مرجع خواهند بود

و بغير از وزارت جنگ و صاحب منصبان با تر نسبت برست تر ميرک

علی قدر مرا تهتم و کيری آنها تکلم نمی تواند نمود

و احدی آنها را مورد تهنیه و سیاست و مواخذه بدون حکم شرع و قانون

نظامی نمی تواند ساخت

و سواى ایالت مقررہ دیوانی از جمیع صادر و عوارض ولایتی و حکومتی معاف

و سپلم خواهد بود

و در مجالس و محافل و معاشرت از اقرا نج و که داخل سلک قشون نیستند بر

سایر طبقات مردم برتری مقدم خواهند داشت

و سواى وزارت جنگ از سایر وزارتخانهها و حکام و مباشرین ولایات محصل

بر آنها نیست تواند کاشت

مخارج و موجب و چیره قشونرا کار که از این امور دیوانی ولایات مستم

بر جمیع مخارج دولت خواهند داشت

از تأمین تأسیر در عموماً با متسارات مذکوره فوق نایل خواهند بود
پدایش تمدات تأمین ایام
سر توپچی و سر سربازی که بتصدیق سر کرده خودش شادتی در جنگ ظاهر کرده باشد
در دفعه اول مستحق نشان شادت باد و تومان تفاوت موجب خواهد بود
و در دفعه ثانی منصب سپه جوگلی خواهد رسید

سر توپچی و سر سربازی که ایام خدمت خود را بدرتسی بدون ارتکاب هیچ نوع خلاف
قاعده با انجام رسانده اما بخدمت جنگ مامور نشده باشد و بعد از اتمام خدمت
مجدد با اختیار خودش داخل خدمت شود مستحق نشان صدق بکلیتاً تفاوت موجب خواهد بود
سر توپچی و سر سربازی که مستحق سپه جوگلی شده باشد اگر در دسته مخصوصه خودش
جای قراری او بسره جوگلی نباشد در دسته جات دیگر برتسار شود و اگر در دسته جات
دیگر هم جانی نباشد همان موجب سپه جوگلی و شئونات آن در حق او برقرار و مجری
شود تا وقتیکه جانی بجهت برقراری سپه جوگلی او بهمه رسد

سره جوگله با همین شرایط و همین نسبت وکیل خواهد شد و وکیل همین شرایط و نسبت

نایب دویم و نایب دویم همین شرایط و نسبت نایب اول خواهد شد و امتیاز پان

دویم اینست که بعضی نشان نقره نشان مطلقا با آنها داده میشود

نایب اول بهمان شرط و نسبتی که مذکور شد سپردتسه و سردتسه بهمان نسبت

یاور شود و امتیاز مخصوص سردتسه اینست که بعضی نشان مطلقا نشان

طلبا داده میشود و در خارج نظام در مجاپس و محافل رسته پاشی نشان ^{خواهد} بود

سریاوری که خدمت و رشادت نمایانی در جنگ ظاهر کرده باشد در دفعه

اول صاحب نشان شود و در دفعه ثانی پنجاه تومان موجب عیب عنوان امتیاز

اوانسزده شده شود و در دفعه ثالث بنصب پسر سنکی برسد اگر در فوج خودش

جاء دارد و در همان فوج و الا در سر فوجی که باشد برقرار کرده و اگر جانی برای او

باشد موجب امتیازات مخصوصه پسر سنکی در حق او مجری شود و ماوتسی که

جای پسر سنکی برای او بهرسد

از تا پین تا یاور سرکس در راه خدمت کشته شود ثلث موجب ادرا برای

اولاد و بازماندگان او برشته آر نمایند

پادشاه خدمات صاحب منصب از سرسنگ تا امیر تومان

سر صاحب منصبی از سرسنگ تا امیر تومان که بخدمت جنگ مامور شده و بکلیت
خود را در خدمت جنگ کمالا بعمل آورده و در پیکار دوی جنگ خدمات او را
تصدیق نموده باشد یکدرجه بر منصب او افزوده شود

سر صاحب منصبی از سرسنگ تا امیر تومان که بخدمت مخصوصه خود را در جنگ کمالا
بعمل آورده علاوه بر آن میدان جنگ زخم برداشته باشد امتیازات
مفضله در حق او مجری شود

سرسنگ	سرسنگ
نشان اردو درجه سوم پنجم	نشان اردو درجه دوم ششم
نصب سرپنجم	نصب سرپنجم
سرسنگ دوم	سرسنگ اول
نشان اردو درجه اول پنجم	نشان امیر تومان
نصب سرپنجم اول	نصب امیر تومان
سرسنگ	نصب سرداری
نشان امیر تومان	

مر صاحب منصبی از سرسنگ تا امیر تومان که خدمات مخصوصه خود را در جنگ کما
 بعل آورده و در میدان جنگ زخمی برداشته باشد که باین واسطه یک
 عضویش ناقص شود اگر بطوری نقص در اعضای او بهر سبب که بعد از این
 بتواند مصدر خدمت شود یکدرجه برترت او افزوده شود و علاوه بر بجا
 که دارد بقدر ثلث بواجب مستمری در حق او برترت ارشود و اگر تقصیری عضو او ناقص
 شود که دیگر نتواند مصدر خدمت شود و از کار خدمت بازماند همان شان او تیز
 و احترام در حق او برترت خواهد بود و نصف موجب او را بجهت مغفبت
 ما دام العمر در حق او مرحمت خواهند کرد
 هر سرسنگی که شش سال برستی و مقبولیت و نظم رفتار کرده و هیچ نوع خطا
 قاعده از او ظاهر نشده باشد سرتیب سوم و اگر سرتیب سوم شش سال
 بهین صفت و سمت خدمت کرده باشد سرتیب دوم
 و اگر سرتیب دوم چهار سال بهین طور خدمت کرده باشد سرتیب اول خواهد

اگر پیرتیب اول تا شش سال بدرتی و معقولیت و نظم رفتار کرده و هیچ نوع
خلاف قاعده از او ظاهر نشده باشد برتبه و امتیازات امیرتومانی از درجه یکم
و اگر تا چهار سال امیرتومان درجه سوم بهمین صفت و سمت خدمت کرده باشد
برتبه امیرتومانی از درجه دوم

و اگر امیرتومان درجه دوم تا سه سال بهمین صفت خدمت کرده باشد برتبه
و امتیازات امیرتومانی از درجه اول برتبه از خواهد شد
اگر امیرتومان پانزده سال بهمین صفت خدمت کرده باشد تمثال
سمایون از درجه اول باو مرحمت شود

سر صاحب منصبی از سرسنگ تا امیرتومان که در راه خدمت کشته شود ثلث
موجب او را بجهت بازماندگان او بعنوان مستمری مرحمت نمایند

پادشاه شوقیات عمده و ان مشمل بر چهار قسم است

قسم اول

اگر سرداری دشمنی ز اشکست بدهد و آن دشمن قشونش منظم و قوتش زیاده از
 قشون جمعی آن سردار باشد و اراده و شیت خداوند متعال حسن بدین علم
 و رشادت آن سپه‌دار را سبب آن فتح فرموده باشد و صاحبان علم تصدیق
 بر صعوبت یا عدم سهولت آن فتح نمایند با عطای امتیازات ذیل قمار خواهند
 اگر فتح مملکتی کرده است در القاب آن سردار همیشه آن فتح نسبت داده شود
 مادام العمور و غضب و بی‌التفاتی که اذیت بدنی باشد یا ضرر مالی یا جوب
 افتضاح باشد نخواهد شد

در احرامات و تشریفات مجایس سایر ممالک و مقدم خواهد بود اگر
 در این بت دیگری هم صاحب این امتیازات شده باشد هر یک پیشترین
 خدمت را کرده باشد و مقدم خواهد بود

اگر سرداری و موقد برای حکمرانی و اداره آن قشون بوده است منصب
 سرداری ابدی او دائمی خواهد شد

از اجرای شورای ولتی در امور داخله خواهد شد

مواجبی که بازای آن فتح اضافه کرده است نصف آن تا سه پست در حق
اولادش مستمری خواهد شد و اگر موجبی دارند و خلل باین نخواهد داشت
اولاد او اگر استعدای نوکری نمایند دیوان بیضا تاقه قبول فرموده موافق
لیاقت و شان آنها منصب بر محنت میفرمایند و توجه مخصوصی حتی آنها
خوانند فرمود که اگر یکی تقابلی آنها بدرجه وضوح رسیده باشد
دارای نشان درجه اولی که مقرر است خواهد شد

قسم دوم

هرگاه طرف مقابل قشون منظم باشد و قوت و قدرت دشمن بقشون جمعی
آن سپردار مساوی باشد در این صورت از این قرار امتیاز محبت میشود
اگر مملکتی را فتح کرده است در القاب آن سردار پیشتر از آنکه نسبت بدار
در امتیازات معاشرت مطلقا بر هم شانهای خود تقدم خواهد داشت

اگر دیگری هم صاحب این نوع فتح باشد هر یک بحسب زمان مقدم باشند ^{اولی} مقدم
 در منصبی که دارد دیگر درجه افزوده میشود

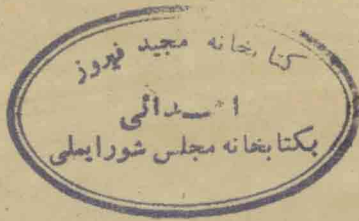
اولاد او هر وقت اشغال کاری در دولت را نمایند قبول میشود و اولیای
 دولت در تربیت اولاد او توجیه مخصوص خواهند نمود

آن موابجی که هنگام جنگ داشته است اگر استعفا از خدمت کند یا در
 خدمت دولت وفات یابد ثلث آن با اولادش بصیغه مستمری مرحمت میشود
 نشان درجه اول باو مرحمت میشود

قسم سیم

اگر قشون دشمن منظم است و قوت او کمتر از قشون جمعی آن سردار است ایستادگی
 که در حق او برقرار میشود از این قرار است

اگر فتح مملکتی یا قلعه را کرده باشد آن فتح با سپه او خوانده میشود
 نشان درجه دوم باو داده میشود



یکدرجه بر منصبش می افزاید اگر جانداشته باشد هر قدر موجب درویشان
افزوده میشود پس از وفات یا استعفا یا از خدمت یک ربع از مویش در حق
اولادش بقرار میشود **قسم چهارم**

اگر قشون غیر منظم بوده باشد و قوت آن قشون از قوت قشون جمعی آن در
زیاده بود یا مکان دشمن صعب و سخت بوده که آن نخعی سبب آید قوت
دشمن بشود امتیازات قسم سیم تا ما مرحمت میشود

اگر قشون غیر منظم باشد و قوت او کمتر بوده و سپه دارانهار اشکست بد
اگر اشکست فاحش باشد و از قشون ولت کمتر از اندازه آن کال تلف شده باشد
از ایقرار مرحمت میشود

یکدرجه بر منصبش افزوده میشود

برسم شانهای خود تفوق خواهد داشت

یک قبضه شیره کل مرصع با و مرحمت میشود

